

**An Analysis of the Factors Affecting the Optimal Employment of
Women in Agriculture (Case Study: Border Villages of Sardasht
County)¹**

Masoud Eidi, PhD Candidate in Economic Sociology and Development, Science and
Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Seyyed Mohammad Seyyed Mirzaie, Professor of Sociology, Tehran Branch of
Science and Research, Islamic Azad University, Tehran, Iran²
Parvin Savadian, Assistant Professor in Sociology, Garmsar Branch, Islamic Azad
University, Garmsar, Iran

Received: 25, December, 2020 Accepted: 30, April, 2021

Abstract

Recent developments in the economic situation and characteristics, especially in the rural economy, have led to the discussion of employment, especially women's employment, to one of the most important issues that can be influenced by many factors. In this regard, this study was conducted in order to analyze the factors affecting the optimal employment of women in agriculture in border villages of Sardasht city in West Azerbaijan province in 2019 in which the survey method and questionnaire techniques were developed and SPSS software was used to analyze the data. The statistical population in this study was women working in the field of agriculture in the study area between the ages of 15 to 65 years. Using Cochran's formula, a sample of 370 individuals from 30 selected villages in Sardasht city was selected using cluster sampling method. Based on the theoretical foundations and literature of the research, the factors affecting the optimal employment of women in the field of agriculture in the region are: individual factors (psychological), cultural factors and organizational factors. Data analysis was performed using Spearman correlation and linear regression tests. The results showed that among individual factors, women's age, education, marital status, and the number of children had the greatest impact on women's employment, respectively. Among cultural factors, motivation to achieve social status, cultural beliefs, religious and belief factors and financial motivation are the most important, respectively, and finally among the organizational factors, indicators of administrative and educational structure are important. In total, based on the results of the linear regression test, the three factors studied at the rate of 0.566 are effective on women's employment in agriculture in the border city of Sardasht.

١. The article is adapted from the PhD dissertation

٢.(Corresponding Author).

Email: mirzaeesm@yahoo.com

فصلنامه علمی علوم و فنون مرزی، دوره دهم، شماره ۱ (۳۶)، بهار ۱۴۰۰

صص ۵۷-۸۵

تحلیلی بر عوامل مؤثر در اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی

مطالعه موردی: روستاهای مرزی شهرستان سردشت^۱

مسعود عبدی - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

سید محمد سیدمیرزایی^۲ - استاد جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

پروین سوادیان - استادیار جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۵

چکیده

تحولات اخیر در وضعیت و ویژگی‌های اقتصادی و به‌ویژه اقتصاد روستایی سبب شده تا بحث اشتغال به‌ویژه اشتغال زنان به یکی از مسائل مهم و مورد توجه قرار گیرد که عوامل زیادی می‌تواند بر این امر اثرگذار باشند. در این راستا این پژوهش به منظور تحلیل عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی روستاهای مرزی شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۸ انجام گرفته که در آن از روش پیمایش و تکنیک‌های پرسشنامه محقق ساخته و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. جامعه آماری در این تحقیق زنان شاغل در حوزه کشاورزی منطقه مورد مطالعه واقع در سنین بین ۱۵ الی ۶۵ سال بوده که با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه ۳۷۰ نفر از بین ۳۰ روستای منتخب در شهرستان سردشت است. بر اساس مبانی و ادبیات نظری پژوهش عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی منطقه عبارت است از: عوامل فردی (روان‌شناختی)، عوامل فرهنگی و عوامل سازمانی. روش تجزیه و تحلیل داده با استفاده از آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و رگرسیون خطی انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد در بین عوامل فردی، سن زنان، تحصیلات، وضعیت تأهل، و تعداد فرزندان به ترتیب بیشترین تأثیر را بر اشتغال زنان دارند. در بین عوامل فرهنگی انگیزه نیل به کسب موقعیت اجتماعی، باورهای فرهنگی، عوامل دینی و اعتقادی و انگیزه مادی به ترتیب بیشترین اهمیت را دارند و در نهایت عوامل سازمانی شاخص ساختار اداری و آموزشی اهمیت دارد. در مجموع بر اساس نتایج حاصل از آزمون رگرسیون خطی سه عامل بررسی شده به میزان ۰/۵۶۶ بر اشتغال زنان در حوزه کشاورزی در شهرستان مرزی سردشت مؤثر می‌باشند.

^۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری می‌باشد.

Email: mirzaeesm@yahoo.com

^۲. نویسنده مسئول

واژگان کلیدی: اشتغال بهینه زنان، توسعه کشاورزی، شهرستان مرزی سردشت.

نگاهی به آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد که علت کم توجهی به این نیروی عظیم انسانی، وجود موانعی اجتماعی (همچون بی‌سوادی و پایین بودن سطح سواد و تبعیض جنسیتی)، موانع قانونی (نظیر قوانین ناظر بر خانواده و قوانین مربوط به اشتغال زنان)، عوامل اقتصادی (مانند رکود و رونق اقتصادی)، مهاجرت از روستا به شهر، اعتقاد به غیراقتصادی بودن نقش زنان، کم تنوعی فرصت‌های شغلی، بالا بودن هزینه نیروی کار زنان برای کارفرمایان و محدودیت‌های فرهنگی و سنتی سهم مشارکت زنان در اشتغال و بازار کار بسیار کمتر از مردان است؛ بنابراین توجه به وضعیت اشتغال زنان و هدایت آن‌ها به بازار کار می‌تواند زمینه بهره‌گیری بهتر از جامعه از این نیروی بالقوه را فراهم آورد؛ به همین دلیل، شناخت عواملی که زمینه ساز مشارکت هر چه بیشتر این جمعیت توانمند در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی کشور باشد، از اولویت ویژه‌ای برخوردار است (زنگانه و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۴).

هم‌زمان با طرح مسائل زنان و نقش آنان در توسعه، تأثیر و چگونگی نقش زنان روستایی در توسعه و بخصوص توسعه کشاورزی مورد توجه بوده است و دلیل این امر، نقش انکارناپذیر زنان روستایی در فعالیت‌های مختلف جوامع روستایی می‌باشد و زنان روستایی در اکثر جوامع، نیروی عمده کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند (طالشی و حکیم دوست، ۱۳۹۸: ۴۷۴).

در شهرستان مرزی سردشت در استان آذربایجان غربی بخش کشاورزی به دلیل دارا بودن توانمندی‌های قابل توجه در منابع و عوامل تولید از جمله با مساحت قابل توجه و قابل کشت با قابلیت تولید محصولات زراعی و باغی گوناگون و توان فنی و نیروی انسانی تحصیل کرده از توان بالقوه و پتانسیل آبی و خاکی مناسبی برخوردار است، به طوری که امکان فعالیت در تمامی بخش‌های کشاورزی و حوزه‌های مرتبط با آن شامل زراعت، باغبانی، دام و طیور، زینورداری، پرورش آبزیان و کرم ابریشم در سرتاسر این استان وجود دارد. در ارتباط با استان آذربایجان غربی، بر اساس آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۵، نرخ اشتغال زنان، ۹۰/۶ درصد است که از نظر جایگاه در رتبه دوم کشور قرار دارد. بر اساس همین آمارگیری، نرخ اشتغال زنان در جمعیت بالای ۱۰ سال در نقاط روستایی در این

استان در سال ۱۳۹۵، ۹۹/۱ درصد است که در کشور، رتبه اول را به خود اختصاص داده و از نظر سهم اشتغال زنان بالای ۱۰ سال در بخش کشاورزی در نقاط روستایی ۸۲/۱ درصد است که از این بعد استان در کشور در رتبه هفتم قرار دارد. افزایش نسبت زنان شاغل به مردان شاغل در حوزه کشاورزی در منطقه می‌تواند علاوه بر نوع کشت و نوع فعالیت کشاورزی مناسب برای زنان از عوامل دیگری هم تأثیر پذیرفته باشد مانند فرهنگ حاکم در زمینه نگرش به مشارکت زنان که به دنبال تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که در طول زمان اتفاق می‌افتد یا مهاجرت مردان به شهرها و جایگزین شدن زنان به جای آنها و نیز افزایش میزان شهرنشینی و علاقه به سبک زندگی شهری و برتری هژمونی زندگی شهری در میان جوانان روستایی در کنار تغییر ماهیت روستاها همه این عوامل باعث به وجود آمدن تغییراتی در ساختار جنسی و سنی شاغلین در بخش کشاورزی شده است. از این رو، این پژوهش بر آن است تا برای جلوگیری از روند کند شدن کار کشاورزی در استان و هم‌چنین جلوگیری از پیری نیروی کار زنان در بخش کشاورزی به عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در بخش کشاورزی با توجه به پتانسیلی که در استان وجود دارد و نیز نیروی کار بالقوه زنان در این بخش پردازد. هدف اصلی از انجام این تحقیق «تحلیل عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی، روستاهای مرزی شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی» است و سؤال اساسی در اینجا این است که عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی (در این پژوهش روستاهای مرزی شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی) چیست؟ و این عوامل به چه میزان بر اشتغال زنان تأثیر دارند؟

پیشینه پژوهش

شریفی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی گرایش زنان روستایی به اشتغال (مورد مطالعه: زنان روستایی شهرستان نجف‌آباد) پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد بین میزان گرایش گروه‌های مختلف زنان روستایی به اشتغال بر اساس وضعیت تأهل، عضویت در نهادهای روستا، دریافت وام، وضعیت اشتغال تفاوت معنی‌دار وجود نداشته همچنین

نتایج نشان داده که بین میزان مطالعه در روز و نیز همسر / پدر نسبت به اشتغال زن و گرایش زنان روستایی به اشتغال، رابطه مثبت و معنی دار و بین میزان مردسالاری در خانواده و گرایش زنان روستایی به اشتغال، رابطه منفی معنی دار وجود داشت؛ در حالی که بین میزان آزادی تحرک اجتماعی گرایش آنان به اشتغال، رابطه معنی دار نبود. افزون بر این، زنان روستایی ۲۰ سال و پایین تر و نیز زنان روستایی با سطح تحصیلات بالاتر گرایش بیشتری به اشتغال داشتند. علی پور (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای بر بررسی اثر تحصیلات عالی زنان روستایی بر اشتغال در نقاط روستایی ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که اگرچه زنان سرپرست خانوار در حالت کلی نسبت به مردان سرپرست خانوار شانس کمتری برای شاغل بودن دارند اما در صورتی که زنان سرپرست خانوار از تحصیلات دانشگاهی برخوردار باشند، شانس بیشتری برای شال شدن نسبت به مردان خواهند داشت و از این رو با کسب شغل و کاهش نابرابری، اثر مثبتی بر رشد تولید ناخالص داخلی هم روستا و هم کل کشور خواهند داشت. دیزجی و کتاب‌فروشی بدری (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال زنان با تأکید بر استفاده از ICT پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که ICT اثر مثبت و معنی داری بر اشتغال زنان در داشته و همچنین متغیرهای مخارج سلامت و بهداشت، تولید ناخالص داخلی سرانه و مخارج آموزش نیز اثر مثبت و معنی داری بر اشتغال زنان داشته‌اند. شریفی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به تحلیل عوامل پیش برنده و بازدارنده توسعه اشتغال زنان روستایی شهرستان نجف‌آباد پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی مربوط به عوامل بازدارنده نشان داد که متغیرها در هفت عامل زیرساختی - حمایتی، فرهنگی - روان‌شناختی، مهارتی، اعتماد اجتماعی، ساختاری، انگیزشی - شناختی و تسهیلات بانکی قرار گرفتند که این هفت عامل ۶۶/۵۰ درصد کل واریانس را تبیین می‌کند. در تحلیل عاملی عوامل پیش برنده ۵ عامل آموزشی - حمایتی، فرهنگی - زیرساختی، خانوادگی، مشارکت اقتصادی و نهادی شناسایی شد که این پنج عامل ۶۰/۶۸ درصد کل واریانس را تبیین می‌کند. به علاوه یافته‌ها نشان داد سهم عوامل بازدارنده بیشتر

از عوامل پیش برنده می‌باشد. عرب مازار و همکاران (۱۳۹۳) به تحلیل عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که عوامل چون تعداد افراد شاغل در خانوار، وضعیت تأهل، محل اقامت و همچنین سرپرست بودن زنان تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال آن‌ها دارد. سم نیز به‌عنوان یکی از عوامل مهم دارای اثری مثبت اما غیرخطی بر اشتغال دارد درحالی‌که تحصیلات بالاتر از متوسطه اثر معکوسی بر اشتغال زنان داشته است. کاوند و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نقش جنسیت در مشارکت اقتصادی و عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در ایران پرداخته‌اند. و به این نتیجه رسیده‌اند که در رابطه با برآورد میزان نقش اقتصادی زنان در خانوارهای شهری حاکی از نقش پنهان فعالیت اقتصادی زنان در خانوار می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از برآورد مدل لجستیک حاکی از آن است که خانوارهای با سرپرست مرد دارای همسر از شانس بیشتری برای شاغل بودن نسبت به خانوارهای با سرپرست مرد بدون همسر، خانوارهای با سرپرست زن دارای همسر و بدون همسر برخوردار هستند. نتایج نهایی حاکی از آن است اگرچه زنان سرپرست خانوار در حالت کلی نسبت به مردان سرپرست خانوار شانس کمتری برای شاغل بودن دارند، اما در صورتی که زنان سرپرست خانوار از تحصیلات دانشگاهی برخوردار باشند، شانس بیشتری برای شاغل شدن نسبت به مردان خواهند داشت و از این‌رو نقش بیشتری را در اقتصاد بازی خواهند کرد.

بوذرجمهری و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان‌های بناجوی شرقی و شمالی شهرستان بناب آذربایجان شرقی)، به این نتیجه رسیده که زنان در امور زراعی و در مرحله برداشت مشارکت بیشتری دارند و برخی از عوامل چون (فردی، خانوادگی، سازمانی) مانع از مشارکت زنان روستایی در امور کشاورزی شده است. امینی (۱۳۸۳) در پژوهشی به تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار در بخش‌های اقتصادی و پیش‌بینی اشتغال در برنامه سوم توسعه متوجه شد که تولید در همه زیر بخش‌های کشاورزی اثر مثبت و

معناداری بر تقاضای نیروی کار داشته و در بین فعالیتهای بخش کشاورزی، بیشترین کوشش تولیدی اشتغال مربوط به جنگل‌داری و کمترین آن مربوط به بخش زراعت و دام‌پروری بوده است. او نتیجه گرفت نیروی کار ماهر و سرمایه در تمامی بخش‌ها از جمله بخش کشاورزی، مکمل یکدیگرند. هرندی و جمشیدی (۱۳۸۷) نیز به این نتیجه رسیدند که با افزایش سن و سطح تحصیلات احتمال اشتغال زنان به نحو معناداری افزایش می‌یابد. صادقی و عمادزاده (۱۳۸۳) با مطالعه الگوی دراز چند سال متوالی نشان دادند که افزایش تحصیلات عالی زنان احتمال یافتن شغل در بازار کار را برای آنان بالا می‌برد. کریشنا و همکاران (۲۰۱۴) نیز به بررسی نقش مشاغل بخش خدمات و کشاورزی در توانمندسازی زنان پرداختند که نشان‌دهنده نقش مثبت در توانمندسازی زنان بود. لوسپندپلو، موسا و آکارو (۲۰۱۰) با توسل به یک مدل لجستیک ارتباط بین متغیرهایی نظیر سطح تحصیلات، وضع زناشویی، منطقه سکونت و مذهب، زنان ساکن در منطقه‌ای از کشور تانزانیا را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که در تانزانیا، متغیرهایی نظیر منطقه سکونت زنان دارای اثر مثبت و معناداری بر افزایش شانس شاغل بودن زنان و شرکت آن‌ها در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی داشته، درحالی که متغیرهای سطح تحصیلات و مذهب دارای اثر معناداری نمی‌باشند. همچنین یاکویو (۲۰۱۰) با استفاده از یک مدل رگرسیون لجستیکی نشان داده که این نرخ برای زنان به خاطر بهبود چشمگیر مشخصه‌های اجتماعی - اقتصادی آن‌ها، افزایش قابل توجهی در افزایش نرخ مشارکت آن‌ها داشته است. سینگ و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان مشارکت زنان کار در مناطق روستایی اوتار پرادش، به بررسی این موضوع در هند پرداخته‌اند. و از زنان به عنوان عامل حیاتی و مولد در اقتصاد هند یاد کرده‌اند که رسیدگی به وضعیت اشتغال آنان ضروری است. همچنین بنا به استنتاج انجام‌شده، مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف اقتصادی در مقایسه با مردان بسیار پایین بوده است که حاکی از انواع مختلفی از تبعیض در

اقتشار مختلف جامعه از جمله آموزش و پرورش برای زنان است. تحقیق حاضر نیز پس از بررسی ابعاد مختلف عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان آن را به صورت مسئله تحقیق در آورده و سعی شده عوامل مؤثر را بررسی کند از آنجا که تاکنون تحقیقی به صورت منسجم برای عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در حوزه کشاورزی برای شهرستان مرزی سردشت صورت نگرفته است. این پژوهش بدیع است.

مبانی نظری

تا قبل از دهه ۷۰ در متون توسعه به ندرت متنی می‌بینیم که آثاری از جنسیت و زنان در آن وجود داشته باشد. موازی با اینکه نظریه پردازان توسعه اهمیت نظام‌های زراعی را مورد توجه قرار دادند، اهمیت جایگاه زنان در ادبیات توسعه مدنظر قرار گرفت. تا حدی که آن موقع بررسی کردند ۷۰ درصد تولیدات کشاورزی آفریقا توسط زنان حاصل می‌شود پس به تدریج مقولات جنسیتی را در تفکرات توسعه قرار دادند (Fani, 2008: 25). نظریه‌های نوکلاسیک، برای تشریح تفاوت‌های جنسیتی و اینکه چرا درآمد حاصل از کار زنان کمتر از مردان است به متغیرهایی همچون مسئولیت خانوادگی، نیروی جسمانی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعت‌های کاری، غیبت از کار، جابجایی در کار و چگونگی تأثیر این متغیرها در بهره‌وری نیروی کار و عرضه آن می‌پردازند (زعفرانچی، ۱۳۸۸: ۲۹۳). رویکرد سرمایه انسانی به عدم جایگزینی کامل مرد و زن در بازار کار اشاره دارد اگرچه ممکن است که حتی زنان و مردان از هوش و یا تحصیلاتی مشابهی برخوردار باشند ولی بازم زنان سرمایه انسانی کمتری از تجربه‌های کاری کسب می‌کنند زیرا زنان در مقایسه با مردان سال‌های کمتری را به عنوان نیروی کار صرف کرده و تفاوت‌هایی در تولیدات بین زنان و مردان ظاهر می‌گردد. بنابراین تفاوت‌های پرداختی به آن‌ها به نوعی انعکاسی از کیفیت کار آن‌هاست. عده‌ای از اقتصاددانان معتقدند که این حالت منعکس‌کننده تأثیرات خانواده بر منحنی عرضه نیروی کار زنان است (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۸). از نظر دیدگاه نظم‌گرایان در خانواده که خود یک نظام اجتماعی کوچک است بایستی نقش‌ها و

کارکردهای اعضا به‌ویژه زن و مرد برحسب خصوصیت‌های ذاتی و طبیعی آن‌ها مشخص و از هم متمایز باشد تا خانواده کارکرد مثبت و بهینه داشته باشد. این دیدگاه معتقد است که تخصیص و تفکیک نقش‌ها به حفظ نظام خانوادگی کمک می‌کند مرد رئیس خانواده است و نقش نان‌آوری را بر عهده دارد و زن نقش کدبانوی خانواده را ایفا می‌کند (اعزازی، ۱۳۸۵: ۶۹). به نظر پارسونز، زن وقتی شاغل است رقیب شوهرش می‌شود و نقش‌ها و وظایف هر یک درهم می‌آمیزد و مختل می‌شود و نظام خانواده را به هم می‌ریزد (میشل، ۱۳۵۴: ۷۲). دورکیم نیز همچون پارسونز در تبیین دگرگونی ساختار جامعه از شکل مکانیک به شکل ارگانیک بر همبستگی اجتماعی تأکید کرده است. او نیز چون پارسونز معتقد است انسجام جامعه بر اساس تقسیم جنسی کار تأمین خواهد شد (اعزازی، ۱۳۸۲: ۶۷). نظریه پردازان توسعه‌گرا معمولاً به رفاه مادران از آن جهت توجه دارند که آن‌ها تولیدکننده و نگه‌دارنده نیروی کار هستند و به زنان از آن جهت که تأمین‌کننده نیروی کار ارزان هستند توجه می‌شود. این نظریه‌ها معمولاً با تشویق زنان به کسب استقلال مالی و حقوق سیاسی برابر همراه است. در دسته دیگری از نظریه‌های توسعه، زنان بخش محروم جامعه هستند که باید از برنامه‌های توسعه منتفع شوند. این نظریات بر تساوی انسان‌ها نظر دارد و در پی رفع بی‌عدالتی است. در این نظریات معمولاً رفاه خانواده مورد توجه است، ولی تجربه ثابت کرده است که رفاه خانواده لزوماً امنیت و رفاه را برای زنان تضمین نمی‌کند. اما بر اساس نظریه‌های مبتنی بر توسعه پایدار، زنان نه تنها در زمره محرومان و مصرف‌کننده برنامه‌های توسعه شمرده نمی‌شوند، بلکه عامل توسعه هستند (طاعتی، ۱۳۷۸: ۳۹). از رویکردهای نظری مربوط به مبانی نظری در این بخش، رویکرد اقتصادی است. و آن‌ها را می‌توان در سه دیدگاه عمده به شرح زیر بررسی کرد:

الف- تئوری‌های نوکلاسیک: در تئوری‌های نوکلاسیک برای تبیین مسئله اشتغال زنان و تفاوت جایگاه زن و مرد در بازار کار، از عوامل اقتصادی استفاده می‌شود. بر اساس

این دیدگاه زنان به سبب بهره‌وری کمتر در مقایسه با مردان از جایگاه و درآمد نازل‌تری برخوردارند. یکی از مفروضات اقتصاددانان کلاسیک آن است که در شرایط رقابتی به کارگران مزدی معادل ارزش نهایی محصول پرداخت می‌شود. بهره‌مندی کمتر زنان از آموزش، دوری متناوب آنان از کار به دلیل مسائل مربوط به بارداری و پرورش کودک، و کمتر بودن تجربه و مهارت شغلی آنان به دلیل همین دوری متناوب از محیط کار، عواملی است که از نظر متفکران نوکلاسیک موجب می‌شود تا زنان از سرمایه انسانی کمتری بهره‌مند. این تئوری بخشی از مسائل مربوط به اشتغال زنان از جمله نقش‌های متعدد و مسئولیت‌های خانوادگی را توضیح می‌دهد، اما بخش‌های مهمی از آن را مغفول می‌گذارد و به مسائل و موانع اجتماعی و فرهنگی مرتبط با اشتغال زنان اشاره‌ای نمی‌کند (کار، ۱۳۷۹: ۱۵).

ب- تئوری‌های تقسیم‌بندی بازار کار: در این تئوری‌ها، فرض اساسی این است که جنسیت یکی از مهم‌ترین عواملی است که بازار کار را به دو بخش جداگانه تقسیم می‌کند. در بخش زنانه بازار کار، تعداد مشاغل به صورت تصنعی و غیرواقعی محدود می‌شود. این محدودیت موجب بروز تراکم در بخش زنانه بازار کار می‌شود و این نکته دلیل اصلی پایین بودن جایگاه شغلی و دستمزدهای زنان است. هم‌چنین تفکیک جنسیتی بازار کار موجب می‌شود تا زنان نتوانند در به دست آوردن تعداد زیادی از مشاغلی که مردانه شناخته شده‌اند، با مردان رقابت کنند. این امر، با توجه به تعداد بیشتر مشاغل مردانه، دست‌مزدهای مردان را بالاتر از زنان نگه می‌دارد (Anker, 1998: 23).

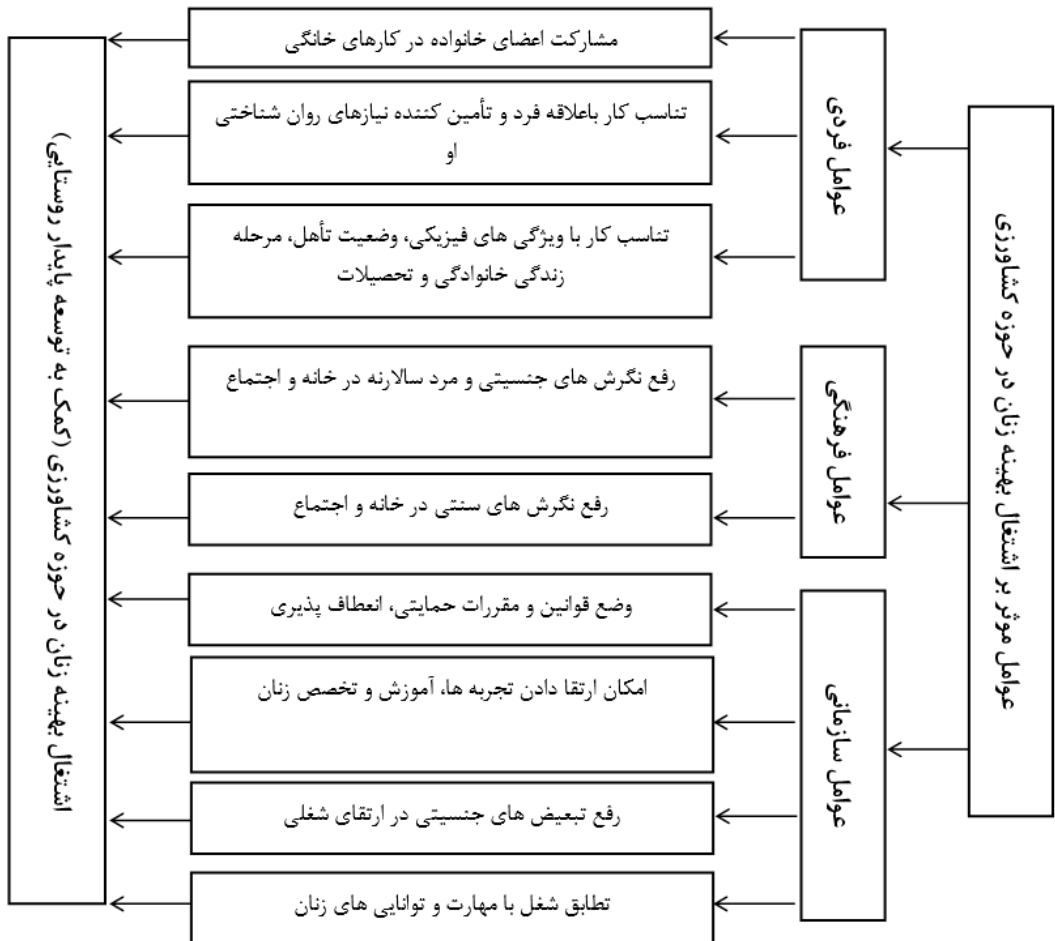
پ- تئوری‌های جنسیتی: تئوری‌های جنسیتی، تفاوت در شخصیت اجتماعی را از طریق سه مدل، بیولوژیکی، فرهنگی اجتماعی و اجتماعی زیستی توضیح می‌دهد. تفاوت‌های فیزیکی میان دو جنس، از سوی بسیاری از محیط‌گرایان نیز تصدیق می‌شود. اما درک طبیعت زیست‌شناختی جنسیت و روندی که بر اساس آن، گروه‌بندی‌های جنسیتی ایجاد می‌شود، پیچیده و مشکل است. این پیچیدگی از تعامل عوامل زیست‌شناختی و اجتماعی

و تأثیرپذیری پدیده‌های بیولوژیکی از عوامل اجتماعی و فرهنگی ناشی می‌شود (Feingold, 1996:28).

در این پژوهش، برای بررسی مسائل اشتغال زنان و عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی از تلفیقی از نظریات مطرح‌شده بهره می‌گیریم. چارچوب نظری مورداستفاده از محورهای نظری عمده زیربنا شده است:

زنان به علت برخورداری کمتر از سرمایه‌های مادی و انسانی دارای بهره‌وری نسبتاً پایینی هستند؛ زیرا ازدواج، حاملگی و پرورش کودک اغلب موجب ترک شغل و عدم کسب مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای می‌شود. هم‌چنین، علاوه بر این، مشاغل زنان غالباً در راستای نقش‌های خانوادگی آنان قرار دارد و بعد مراقبتی در آن غلبه دارد و بیشتر شامل کارهایی است که درآمد کمتر، مهارت پایین‌تر و تأمین اجتماعی و پیشرفت کمتری را به همراه دارد. تعدد و گاه تضاد نقش‌ها و مسئولیت‌های حرفه‌ای و خانوادگی زنان و هم‌چنین عوامل فرهنگی و اجتماعی در این وضعیت مؤثر بوده است. اما باوجود همه مشکلات و موانع یادشده، در شرایط کنونی، هم خود زنان و هم شماری از مردان اشتغال زن را هم در رشد و پیشرفت خود او و هم در رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مهم می‌شمارند.

برای دستیابی به یک الگوی بهینه برای اشتغال زنان در عرصه کشاورزی در منطقه مورد مطالعه و بررسی عوامل آن، باید مجموعه‌ای از عوامل فردی (روان‌شناختی)، فرهنگی، اجتماعی و سازمانی مورد توجه قرار گیرد. در مدل زیر سعی شده است عوامل نامبرده در قالب یک دسته‌بندی سه‌گانه به صورت نظام‌مند معرفی شود. شکل ۱ مدل نظری عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی (مطالعه موردی استان آذربایجان غربی) را نشان می‌دهد



شکل شماره ۱. مدل نظری عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی

روش پژوهش

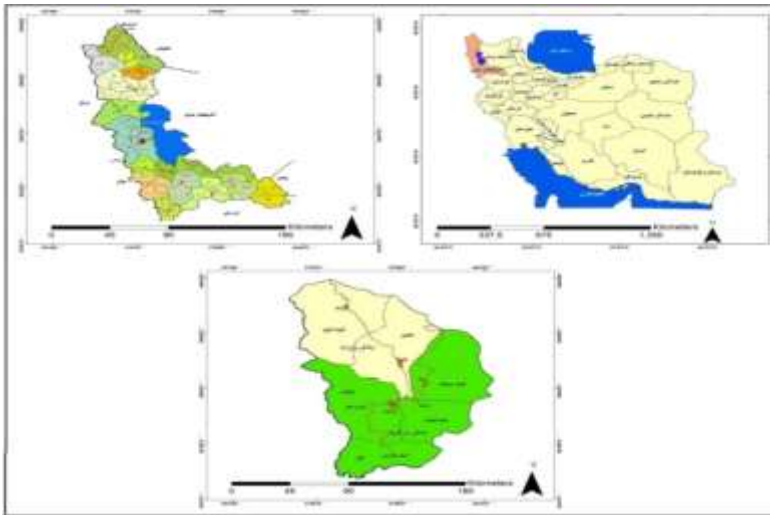
پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی می باشد. در این تحقیق، از مطالعات کتابخانه ای و روش های میدانی به طور هم زمان برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. در مطالعات کتابخانه و اسنادی در بخش مبانی نظری استفاده شده و در روش میدانی از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. بر این اساس ضمن

مطالعه مفاهیم و ادبیات مرتبط و سوابق مطالعاتی باهدف تحقیق مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی استخراج و با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ای شاخص‌ها موردسنجش قرار گرفتند. جامعه آماری این پژوهش زنان شاغل در حوزه کشاورزی شهرستان مرزی سردشت واقع در سنین بین ۱۵ الی ۶۵ سال مباحثند که بر اساس سرشماری سال ۹۵ برابر ۲۱۸۷۵ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۷۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند که این تعداد از بین ۳۰ روستای منتخب در بین ۶ دهستان شهرستان (هر شهرستان ۶۲ پرسشنامه) و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردید. روایی پرسشنامه به‌صورت صوری بوده بدین گونه که پرسشنامه در اختیار ۲۰ نفر از کارشناسان و خبرگانی که تاکنون در این زمینه مطالعه‌ای داشته گذاشته شد و بعد از تأیید آن‌ها پایایی پرسشنامه نیز به دست آمد به‌منظور سنجش پایایی پرسشنامه، از آزمون آلفای کرون باخ استفاده شد، و مقدار آن ۰/۹۰ به دست آمد این میزان، نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسشنامه است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد و در بخش آمار توصیفی از محاسبات فراوانی، میانگین، و در صد و در بخش آمار استنباطی از روش همبستگی اسپیرمن و رگرسیون خطی استفاده گردید.

محدوده مورد مطالعه

شهرستان سردشت یکی از شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی است. این شهرستان از شمال و شمال شرق با پیرانشهر و مهاباد، از شرق با بوکان و از جنوب شرق با بانه در استان کردستان همسایه است. این شهرستان از غرب با شهرهای رانیه و قلعه دیزه و استان اربیل عراق و از جنوب با سلیمانیه و شهرهای شارباژیر و ماوت در استان سلیمانیه عراق هم‌مرز است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان سردشت بالغ بر ۱۱۸۸۰۰ نفر می‌باشد. زبان رسمی کردی با لهجه سورانی موکریانی است این شهر دارای ۱۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کردستان عراق بوده و نیز مهم‌ترین منبع درآمد اهالی آن کشاورزی و تجارت کالاهای خارجی می‌باشد. فاصله این شهر با نقطه صفر مرزی تنها ۸ کیلومتر است. ارتفاع این شهرستان از سطح دریا ۱۴۸۰ متر می‌باشد. اسامی تعدادی از

روستاهای مرزی سردشت همراه با جمعیت آن به صورت نمونه ذکر می گردد. روستای شلماش با جمعیت حدود ۲۰۰ نفر. روستای بیوران با جمعیت ۱۳۰۹ نفر. روستای دولتو با جمعیت ۲۵۵ نفر. روستای قلعه رش با جمعیت ۱۲۴۲ نفر. روستای ساوان با جمعیت ۱۵۸ نفر.



شکل شماره ۲. موقعیت جغرافیایی شهرستان سردشت و روستاهای ذکر شده در استان آذربایجان غربی

بحث و یافته‌ها

از مجموع ۳۷۰ نفر از زنان شرکت کننده در پژوهش حاضر ۲۳۰ نفر یعنی ۶۲ درصد پاسخگویان متأهل و ۱۴۰ نفر یعنی ۳۸ درصد پاسخگویان مجرد می باشند. از نظر مقیاس سنی نیز، ۴۰ نفر یعنی ۱۱ درصد در محدوده سنی ۱۵-۲۴ سالگی، ۸۰ نفر (۲۲ درصد) در محدوده سنی ۲۵-۳۴ سالگی، ۱۶۰ نفر یعنی ۴۳ درصد زنان پاسخگو شاغل در حوزه کشاورزی استان در محدوده سنی ۳۵-۴۴ سالگی و در نهایت ۹۰ نفر (۲۴ درصد) در محدوده ۴۵-۵۴ سالگی قرار دارند. از نظر میزان تحصیلات ۱۰ نفر یعنی ۳ درصد از پاسخگویان بی سواد، ۳۴ نفر یعنی ۱۰ دارای مدرک تحصیلی مقطع ابتدایی، ۹۵ نفر یعنی ۲۶ درصد سیکل، ۲۰۱ نفر یعنی ۵۴ درصد در مقطع تحصیلی دبیرستان و دیپلم، ۳۰ نفر یعنی

۸ درصد نیز از تحصیلات فوق دیپلم به بالا برخوردارند. همچنین از نظر نوع فعالیت کشاورزی ۲۰ درصد از کل جمعیت نمونه در بخش زراعت (شامل گندم، جو، عدس و ...)، ۴۰ نفر، معادل ۱۰ درصد در امر باغداری (شامل مرکبات، سیب، انار، انگور، گردو و ...)، ۱۳۰ نفر (معادل ۳۴ درصد) در بخش صیفی کاری شاغل، و ۱۳۰ نفر یعنی ۳۶ درصد در دسته زنبورداری قرار دارند.

در آمار ناپارامتری، یکی از روش‌های سنجش و آزمون مربوط به توزیع، «آزمون کولموگروف-اسمیرنف» است. به کمک این آزمون، می‌توان به وسیله یک نمونه تصادفی از جامعه آماری، مشخص کرد که آیا جامعه آماری از توزیع مورد نظر پیروی می‌کند یا خیر؟ همچنین به وسیله این آزمون، امکان بررسی هم توزیعی در بین دو جامعه نیز وجود دارد. در پژوهش حاضر هدف این است که ببینیم آیا میانگین جامعه مورد مطالعه (جامعه آماری) از میانگین جامعه کل پیروی می‌کند یا خیر؟ هم چنین بر اساس آزمون Z سنجش رابطه بین داده‌ها بر اساس پارامترهای موجود وضعیت نرمال یا غیر نرمال بودن داده‌ها سنجیده می‌شود. در این راستا، پس از تجزیه و تحلیل تک تک سؤال‌های پرسشنامه پژوهش، یک بار دیگر نتایج سؤال‌ها به صورت خلاصه و بر اساس متغیرهای سه گانه پژوهش (عوامل فردی، عوامل فرهنگی و عوامل سازمانی) در جدول ۱، آورده شده و نرمال بودن توزیع داده‌ها بر اساس این متغیرهای مستقل محاسبه گردید.

جدول شماره ۱. نتیجه آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	Z کولموگروف اسمیرنوف	سطح معنی داری
عوامل فردی	۳/۲۱۶۲۱	۱/۳۸۵۷۶	۴/۸۵۸۵	۰/۳۳۶
عوامل فرهنگی	۳/۳۲۳۸۵	۱/۳۸۲۰۳	۳/۹۷۳	۰/۶۱۷
عوامل سازمانی	۲/۹۹۴۲۲	۱/۳۱۲۲۲	۳/۹۷۹	۰/۹۶۷

همان‌طور که داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد سطح معناداری برای هر سه متغیر این پژوهش بیشتر ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که داده‌های هر سه متغیر دارای توزیع نرمال می‌باشند. لذا برای این متغیرها، استفاده از آزمون‌های پارامتری مجاز است.

حال با مشخص شدن وضعیت داده‌ها از نظر پارامتریک بودن، وضعیت همبستگی بین عوامل بر توسعه اشتغال کشاورزی بهینه زنان ابتدا بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن محاسبه شده تا مشخص شود که روابط بین آن‌ها رد و یا تأیید شده است و در صورت تأیید شدن هر کدام، در چه سطح معنی داری تأیید شده است.

جدول شماره ۲. نتیجه آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین عوامل فردی و اشتغال زنان

مورد مطالعه

Sig	همبستگی اسپیرمن	اشتغال زنان
۰/۰۰۱	۰/۶۲۴	تحصیلات زنان
۰/۰۰۲	۰/۷۱۴	سن زنان
۰/۰۰۱	۰/۴۴۰	تعداد فرزندان
۰/۰۰۶	۰/۴۹۸	وضعیت تأهل

عوامل فردی

طبق داده‌های جدول ۲، در بین عوامل فردی تأثیرگذار بر فعالیت‌های زنان، سن زنان با ضریب ۰/۷۱۴ بیشترین تأثیر و تحصیلات با ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۶۲۴ و ضریب معنی داری ۰/۰۰۱ در رتبه دوم است. با توجه به نتایج جدول فوق چون سطح معنی داری

کوچک‌تر از ۰/۰۱ است و نتیجه آن این است که فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط بین سن و میزان تحصیلات زنان شاغل در بخش کشاورزی و فعالیت آنان در این حوزه در منطقه مورد مطالعه پذیرفته می‌شود. این به این معنی است که با افزایش تحصیلات زنان در این حوزه فعالیت آنان در بخش کشاورزی نیز بیشتر و بهتر می‌شود. در مراتب بعدی ضریب همبستگی وضعیت تأهل با ضریب ۰/۴۹۸ و تعداد فرزندان با ۰/۴۴۰ رابطه معناداری ضعیف‌تری با فعالیت و اشتغال زنان وجود دارد.

جدول شماره ۳. نتیجه آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین عوامل فرهنگی و اشتغال زنان

مورد مطالعه

Sig	همبستگی اسپیرمن	اشتغال زنان	
۰/۰۰۰	۰/۵۷۵	باورهای فرهنگی	عوامل فرهنگی
۰/۰۰۰	۰/۳۸۸	انگیزه مادی	
۰/۰۰۰	۰/۷۳۲	انگیزه نیل به کسب موقعیت اجتماعی	
۰/۰۰۷	۰/۵۲۹	عوامل دینی و اعتقادی	

طبق نتایج جدول ۳ برای عوامل فرهنگی چهار شاخص باورهای فرهنگی، انگیزه مادی، انگیزه نیل به کسب موقعیت و عوامل دینی و اعتقادی بررسی شد که از بین این عوامل انگیزه نیل به کسب موقعیت با ضریب ۰/۷۳۲ بیشترین همبستگی را با اشتغال زنان دارد. سپس باورهای فرهنگی با ضریب ۰/۵۷۵ در مرتبه دوم و عوامل دینی و اعتقادی با ۰/۵۲۹ در مراتب سوم قرار گرفته است. انگیزه مادی با ۰/۳۸۸ کمترین ضریب همبستگی را با اشتغال زنان به خود اختصاص داده است. به این معنی که با افزایش انگیزه نیل به کسب موقعیت اجتماعی بیشتر در بین زنان شاغل در حوزه کشاورزی در روستاهای مرزی شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی، فعالیت آنان در این حوزه نیز بیشتر می‌شود. و هر قدر پایبندی به باورهای فرهنگی و سنن جامعه توسط زنان شاغل در حوزه کشاورزی روستاهای مرزی شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی بیشتر باشد، فعالیت آنان نیز در این بخش بیشتر می‌شود.

جدول ۴. نتیجه آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین عوامل سازمانی و اشتغال زنان مورد مطالعه

Sig	همبستگی اسپیرمن	اشتغال زنان	عوامل سازمانی
۰/۰۰۶	۰/۴۵۲	ساختار اداری و آموزشی	

چنان که در همین جدول مشاهده می شود در سطح ۹۹ درصد رابطه مستقیم و معنی داری بین عوامل سازمانی حاکم بر محیط و اشتغال زنان شاغل در بخش کشاورزی و فعالیت آنان در این حوزه در منطقه مورد مطالعه وجود. بر این اساس می توانیم نتیجه بگیریم که بین عوامل سازمانی (ساختار اداری و آموزشی) حاکم بر محیط و اشتغال زنان در حوزه کشاورزی در سطح منطقه مورد مطالعه وجود دارد. به این معنی که هر چه جنبه های حمایتی ساختار اداری مرتبط با امر کشاورزی زنان شاغل در بخش کشاورزی در روستاهای مرزی شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی بیشتر باشد، فعالیت آنان در بخش کشاورزی نیز بیشتر می شود.

در ادامه به منظور بررسی اثر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان از رگرسیون خطی ساده استفاده شده است. در رگرسیون، متغیر مستقل عوامل فردی، فرهنگی و سازمانی به عنوان متغیر مستقل و اشتغال زنان به عنوان متغیر وابسته می باشد. همان گونه که در جدول ۵ مشخص است مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۵۶۶ است که حاکی از توانایی متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته می باشد. یعنی متغیر مستقل ۵۶ درصد از تغییرات وابسته را تبیین می کند و مابقی این تغییرات که به مجذور کمیت خطا معروف است، تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل می باشند. همچنین مقدار دوربین واتسون برابر ۱/۲۲ است که حاکی از مستقل بودن باقی مانده ها از هم است. در جدول ۵ میزان اثر گذاری ابعاد متغیر وابسته بر متغیر مستقل به تفکیک نشان داده شده است.

جدول ۵. مقدار ضریب همبستگی، ضریب تعیین تعدیل شده و دورین واتسون

میزان اثرگذاری متغیر وابسته	دورین واتسون	خطای استاندارد برآورد	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	مقدار همبستگی
اشتغال زنان	۱/۲۲۱	۷/۴۵۹	۰/۵۶۶	۰/۵۶۷	۰/۷۵۰

همان گونه در جدول زیر مشخص است مقدار رگرسیون برای این مدل برابر است با ۲۷/۲۷ و مقدار باقی مانده برابر است با ۲۰/۸۰ و چون مقدار مجذورات باقی مانده کوچک تر از مجموع مجذورات رگرسیون است، نشان دهنده قدرت تبیین بالای مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته است. در این مدل مقدار F برابر است با ۴۹/۰۵ و میزان معناداری آن هم برابر با ۰/۰۰۰ است که کوچک تر از ۰/۰۵ و معنادار است و متغیر مستقل قادر است به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد، بنابراین مدل رگرسیون از لحاظ آماری معنی دار است و سؤال تحقیق که تأثیر عوامل بررسی شده بر اشتغال زنان مثبت ارزیابی می شود.

جدول ۶. مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات و سطح معناداری رگرسیون

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
		۲۷/۲۷	۱	۲۷/۲۷	رگرسیون
۰/۰۰۰	۴۹۰/۵۵۰	۰/۵۵	۳۷۴	۲۰/۸۰	باقی مانده
			۳۷۵	۴۸/۰۸	مجموع

جدول بعدی نتایج مربوط به ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیر مستقل (به تفکیک) بر متغیر وابسته را نشان می دهد. با توجه به اطلاعات این جدول مقدار بتا در این مدل در مجموع متغیرهای مستقل ۰/۷۵۳ است، بزرگ بودن مقدار بتا نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته می باشد.

می توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواه کرد. یا به عبارتی با ارتقاء یک واحد از عوامل شناسایی شده (۰/۷۵۳)، واحد انحراف معیار اشتغال زنان ارتقاء پیدا خواهد کرد در نتیجه ارتباط مثبت دارند.

جدول ۷. ضریب رگرسیون استاندارد شده و نشده، آماره طی و سطح معناداری رگرسیون

سطح معناداری	T	ضریب	ضریب غیراستاندارد		مدل	میزان اثر گذاری متغیر مستقل
		استاندارد	Std.Error	B		
۰/۰۰۰	۲۱/۵۶۰	۰/۴۴۱	۱/۳۶۸	۲۹/۳۲۳	مقدار ثابت	عوامل فردی
۰/۰۰۰	۹/۵۰۲		۰/۱۰۳	۱/۰۳۴	اشتغال زنان	
۰/۰۰۲	۱۴/۹۸۶	۰/۵۷۹	۱/۴۷۷	۲۲/۴۵۶	مقدار ثابت	عوامل فرهنگی
۰/۰۰۰	۱۳/۷۱۸		۰/۱۰۱	۱/۴۵۶	اشتغال زنان	
۰/۰۰۱	۱۳/۲۳۷	۰/۸۰۸	۱/۰۶۹	۱۴/۱۵۴	مقدار ثابت	عوامل سازمانی
۰/۰۰۰	۲۶/۵۳۴		۰/۰۷۵	۱/۹۰۵	اشتغال زنان	

نتیجه گیری

چنان که بیان شد، سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت بود از: عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی روستاهای مرزی شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی چیست؟ و این عوامل به چه میزان بر اشتغال زنان تأثیر دارند؟ با توجه به چارچوب نظری، یک مدل کلی با سه متغیر مستقل و عناصر زیرمجموعه طراحی شد. بنابراین، عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی منطقه مورد مطالعه، به سه دسته عوامل فردی، عوامل فرهنگی و عوامل سازمانی تقسیم می گردد.

در این راستا به منظور بررسی عوامل مؤثر از آزمون های ضریب اسپیرمن و رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که در بین عوامل فردی سن زنان با ضریب ۰/۷۱۴ و تحصیلات با ۰/۶۲۴ و وضعیت تأهل با ۰/۴۹۸ و تعداد فرزندان با ۰/۴۴۰ به ترتیب بیشترین تأثیر را خواهند داشت. از بین عوامل فرهنگی انگیزه نیل به کسب

موقعیت با ضریب ۰/۷۳۲ بیشترین همبستگی را با اشتغال زنان دارد. سپس باورهای فرهنگی با ضریب ۰/۵۷۵ در مرتبه دوم و عوامل دینی و اعتقادی با ۰/۵۲۹ در مراتب سوم قرار گرفته است. انگیزه مادی با ۰/۳۸۸ کمترین ضریب همبستگی را با اشتغال زنان به خود اختصاص داده است. عوامل سازمانی نیز ضریبی برابر با ۰/۴۵۲ را به خود اختصاص داده است. همچنین نتایج حاصل از آزمون رگرسیون خطی نیز نشان داد که متغیر مستقل یعنی عوامل بررسی شده به میزان ۵۶ درصد از تغییرات وابسته یعنی اشتغال زنان را تبیین می کند.

عوامل فردی: یک دسته عوامل فردی (روان‌شناختی) است که به مشارکت اعضای خانواده در کارهای خانگی با گستره زیادی که دارد، تناسب کار باعلاقه فرد و تأمین کننده نیازهای روان‌شناختی او و تناسب کار با ویژگی‌های فیزیکی، وضعیت تأهل، تحصیلات و مرحله زندگی خانوادگی و ... مربوط می شود. همچنین، در تشریح عوامل فردی این مدل باید اذعان داشت، عوامل فردی می خواهد این نکات را بسنجد که: مشارکت اعضای خانواده در امور داخلی خانه یعنی کمک به خانم خانه در امور خانگی تأثیر مثبتی بر کار زن در بیرون از خانه (کار کشاورزی) داشته است. بنابراین، یکی از عناصر عوامل فردی ضرورت تداوم اشتغال زنان مورد مطالعه، به این نحو است که اگر در امور خانه سایر افراد به زنان کمک کنند، این امر می تواند اثری مثبت بر روند کار او داشته و در نهایت او به این کار ادامه بدهد (در کنار سایر عوامل) که در این پژوهش طبق گفته پاسخگویان و تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام چنین امری ضروری است. همچنین، میزان تناسب علاقه زنان در کار کشاورزی است. بر این اساس، پس از تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده از میدان تحقیق، بین کار زن و علاقه‌اش تناسب وجود دارد، زنان احساس اعتماد به نفس می کنند و ابراز وجود برای مشارکت در تصمیم‌گیری در آنان در ارتباط با کار افزایش می یابد؛ زیرا آن‌ها به خودباوری رسیده‌اند. به طور کلی در این بخش از مدل عامل (فردی) اثبات گردید که تناسب بین کار و علاقه زنان در امر کشاورزی منجر به رفع نیازهای روان‌شناسی زنان مورد مطالعه می گردد. همچنین در بعد فردی بین وضعیت فیزیکی و بدنی زنان شاغل

مورد مطالعه در امر کشاورزی و کاری که بدان اشتغال دارند، طبق نتایج استخراج شده و تجزیه و تحلیل این داده‌ها، تناسب وجود دارد، زیرا زنان در آن صورت از کار بیگانه نشده و به تداوم آن علاقه نشان می‌دهند. از طرفی زنان شاغل در صورت تأهل یا مجرد بودن چه تفاوتی در کارایی شان ایجاد خواهد شد، یا این که داشتن فرزند موجب پایین آمدن راندمان کاری آن‌ها خواهد شد؟ و اگر تعداد فرزندان بیشتر باشد، تأثیر منفی تری خواهد داشت یا بی‌تأثیر است؟ که بر اساس نتایج بررسی و آزمایش فرضیات تجرد و تأهل زنان شاغل مورد مطالعه تأثیر منفی بر کارشان ندارد. این امر به را می‌توان این چنین توجیه کرد که در خانواده مدرن (مابعد سنتی) بخش اعظمی از کارکردهای خانواده به نهادهای رسمی واگذار گردیده است و زن و مرد در این راستا از زمان بیشتری برای کار بیرون از خانه برخوردارند. علاوه بر این، این مدل می‌خواست بیان نماید که لحاظ کردن تحصیلات (بالا بودن تحصیلات) به دلیل استفاده از آموزش‌های ترویجی جدید که در بخش سازمانی بیان شد، برای تداوم اشتغال زنان در امر کشاورزی در منطقه مورد مطالعه ضروری است یا خیر که نتایج آزمایش فرضیه‌ها نشان داد که بین سطح تحصیلات و بالا رفتن کارایی زنان در امر کشاورزی رابطه معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. هم‌چنین سنجش سن در این پژوهش نشان داد که با بالا رفتن سن زنان (در محدوده سنی این پژوهش) منجر به افزایش کارایی آنان می‌گردد و لطمه‌ای به کار آنان نخواهد زد. شاید این امر به دلیل تجربه زنان در امر کار کشاورزی بوده و نیز آموزش‌هایی که در این راستا در طول دوران اشتغال خود در بخش کشاورزی دیده‌اند، یا نتیجه فقر و پایین بودن سطح درآمد مردم روستایی باشد که مجبورند در سنین بالا هم فعالیت کنند می‌باشد. در ارتباط با رابطه با فرزندان با فعالیت زنان، نیز بر اساس نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق فرضیه هر دو جنبه مورد تأیید قرار گرفت. به این صورت که بین انگیزه نیل به کسب موقعیت اجتماعی بهتر برای زنان شاغل در بخش کشاورزی و فعالیت آنان رابطه وجود دارد، زیرا این نتیجه‌ای است که از تجزیه و تحلیل داده‌ها به دست آمده است. در خصوص تعداد فرزندان نیز طبق

آزمایش فرضیه مربوطه افزایش تعداد فرزندان موجب کاسته شدن کار زنان شاغل در امر کشاورزی نخواهد شد. بنابراین، یکی از عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی در منطقه مورد مطالعه عوامل فردی می‌باشد.

عوامل فرهنگی، اجتماعی: دسته دوم عوامل فرهنگی، اجتماعی است که در درون خود رفع نگرش‌های جنسیتی، سنتی و مردسالارانه در خانه و اجتماع را به همراه دارد. الگوهای فرهنگی مرتبط با نقش‌ها و رفتار زنان در جوامع متفاوت است و به عوامل گوناگونی بستگی دارد. این الگوها که عمدتاً مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی هستند، دارای دوام و ماندگاری نسبی است و در لایه‌های گوناگون فرهنگ از جمله در آداب و رسوم و عرف اجتماعی و در ساختارهای خانوادگی، سیاسی، اقتصادی و حتی زبان‌شناختی جای‌گیر می‌شوند و در برابر تغییر مقاومت می‌کنند، بر همین اساس است که، تغییر نظام‌های ارزشی در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست. اشتغال زنان در بیرون از خانه در جامعه مردسالار به راحتی پذیرفتنی نیست، زیرا مردسالاری جز عناصر فرهنگی است که در بطن جامعه رخنه کرده و تثبیت گردیده است. در این اینجا سعی بر این بوده است که این چنین عناصر و تأثیر آن در اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی سنجیده شود؛ زیرا بر اساس رویکردهای جامعه‌شناختی رویکرد زنان به اشتغال خارج از خانه تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی قرار دارند. اگر اهداف یک جامعه متعالی و خواهان رشد توسعه فردی و اجتماعی در همه زمینه‌ها باشد، برای گام نهادن در مسیر توسعه پایدار، یعنی توسعه‌ای که کاملاً با نیازها و خواسته‌های واقعی مردم و با اهداف و آرمان‌های جامعه سازگار باشد، مشارکت همه آحاد جامعه اعم از زن و مرد ضروری است. بر اساس آزمودن فرضیه‌های مربوط به این عامل (مدل طراحی شده)، طبق فرضیه هشتم «بین عوامل دینی و اعتقادی حاکم بر محیط و اشتغال زنان در حوزه کشاورزی در منطقه مورد مطالعه رابطه وجود دارد. به این معنی که هر قدر پایبندی به باورهای دینی و اعتقادی بیشتر باشد فعالیت نیز بیشتر می‌شود» و تأیید این فرضیه یکی از عوامل مؤثر بر

اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی در روستاهای مرزی شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی است.

عوامل سازمانی: عوامل سازمانی شامل مواردی نظیر: وضع قوانین و مقررات حمایتی در ارتباط با زنان در حوزه کشاورزی و انعطاف پذیری این قوانین، امکان ارتقا دادن تجربه‌های زنان در حوزه کشاورزی، ارتقای آموزش زنان و تخصص زنان در این حوزه، رفع تبعیض‌های جنسیتی در ارتقای شغلی زنان در این حوزه و سایر حوزه‌های مرتبط، تطابق شغل‌ها با مهارت و توانایی‌های زنان در این حوزه می‌باشد. در بعد قانونی، از آنجا که در قانون اساسی به آزادی در انتخاب شغل اشاره گردیده است، آیا زنان مورد مطالعه معتقد به این هستند که قوانین و مقررات موجود، از آنان حمایت می‌کند یا خیر؟ هم‌چنین میزان انعطاف قوانین مربوطه بررسی می‌گردد، که در صورت ضعف قوانین آیا برای اشتغال بهینه زنان در بخش کشاورزی، تغییر این قوانین ضرورت دارد؟ از سوی دیگر بحث ارتقای زنان در امور مدیریت کشاورزی در این بخش از مدل (عامل سازمانی) مطرح شده است. می‌خواهیم ببینیم آثار عوامل فرهنگی در قوانین مربوط به این بخش تأثیر گذاری سنتی خود را هنوز دارد یا خیر. یا این که اگر تغییری رخ داده است، میزان آن چقدر است و اصلاح این قوانین و مقررات چه تأثیری بر روند اشتغال آنان دارد که نهایتاً پیامد این سلسله امور در جامعه به چه پیامدی ختم می‌گردد؟

یکی از موارد این بخش آموزش زنان است که به سواد آنان، آزادی عمل در اشتغال و خط‌مشی سیاسی حاکم بر توسعه برمی‌گردد. از آنجا که مدرنیته در ایران بیشتر به بخش مردان ارتباط داشته است، بدین معنی که نه تنها به زنان کمک شایانی نکرد، بلکه پیشرفت فن‌آوری‌ها بخش عمده‌ای از کار زنان را از آنان گرفته است. این بخش بررسی کرد که زنان چه میزان آموزش دیده و از دیدگاه آنان آموزش برای تداوم کار کشاورزی آنان و پیشرفت آن، چه میزان ضروری است. هم‌چنین نیازمندی‌های آموزشی - ترویجی آنان در این بخش چه میزان و از چه نوع آموزش‌هایی بوده و پیامد آن چیست؟

بخش دیگری نیز می‌تواند تحت عنوان تبعیض‌های سازمانی در ارتباط با زنان مطرح باشد که به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه برمی‌گردد و هنوز می‌تواند در بخش‌های دیوان سالاری کشور به‌ویژه مناطق روستایی حاکم باشد. زنان شاغل مورد مطالعه در بخش کشاورزی از این تبعیض‌ها نمی‌توانند جدا باشند. بر اساس داده‌های استخراج شده در این مقاله، این فرضیه تأیید گردید. از این رو، هر چه جنبه‌های حمایتی ساختار اداری مرتبط با امر کشاورزی زنان شاغل در حوزه کشاورزی در منطقه مورد مطالعه بیشتر باشد، فعالیت زنان در این حوزه نیز بیشتر می‌شود. عوامل سازمانی با عناصر زیرمجموعه‌اش که در مدل طراحی شده آمده است، به‌عنوان یکی از عوامل اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی در منطقه مورد مطالعه است. به‌طور کلی بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از ۳۷۰ نمونه این پژوهش، متغیر مستقل عوامل مؤثر بر اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی در این مدل سه عامل عمده (فردی، فرهنگی و سازمانی) است که در مجموع منجر به اشتغال بهینه زنان در حوزه کشاورزی خواهند شد و نهایت این که این تداوم اشتغال زنان می‌تواند دارای پیامدی چون توسعه پایدار کشاورزی در منطقه و در نهایت به توسعه پایدار روستایی کمک نماید.

تشکر و قدردانی

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله که مستخرج از رساله دکتری است، حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) اعزازی، شهلا (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، چاپ دوم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ۲) اعزازی، شهلا (۱۳۸۶) فمینیسم و دیدگاه‌ها: مجموعه مقالات، چاپ دوم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

- ۳) امینی، علی‌رضا (۱۳۸۳) رویکرد جنسیتی و عدم تعادل کلی در بازار کار، پژوهش زن در توسعه و سیاست، دوره ۲، شماره ۱، صص. ۱۴۶-۱۳۳.
- ۴) بوذرجمهری، خدیجه؛ شایان، حمید؛ فخری، صادقی (۱۳۸۹) تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان‌های بناجوی شرقی و شمالی شهرستان بناب آذربایجان شرقی)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۸۶-۶۹.
- ۵) دیزجی، منیره و کتابفروش بدری، آرش (۱۳۹۵) بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال زنان با تأکید بر استفاده از ICT، زن و مطالعات خانواده، سال ۹، شماره ۳۴، صص. ۷۳-۹۳.
- ۶) زعفرانچی، لیلا سادات (۱۳۸۸) بررسی وضعیت اشتغال زنان در ایران، مرکز امور زنان و خانواده، تهران: نهاد ریاست جمهوری.
- ۷) زنگانه، میثم؛ نیازی، عیسی؛ میرکتولی، راحیل؛ عاشوری، الهام؛ باقری، رامین (۱۳۹۲) رتبه‌بندی عوامل مؤثر در اشتغال‌زایی زنان کارآفرین با استفاده از تکنیک تاپسیس (مطالعه موردی: بخش تعاون استان خراسان رضوی)، پژوهش‌نامه زنان، سال ۴، شماره ۱، صص. ۸۳-۱۱۰.
- ۸) شریفی، زینب؛ ایروانی، هوشنگ؛ دانشور عامری، ژیلا (۱۳۹۴) تحلیل عوامل پیش‌برنده و بازدارنده توسعه اشتغال زنان روستایی شهرستان نجف‌آباد، فصلنامه زن و جامعه، سال ۶، شماره ۱، صص. ۲۰-۱.
- ۹) شریفی، زینب؛ ایروانی، هوشنگ؛ دانشور عامری، ژیلا (۱۳۹۸) بررسی گرایش زنان روستایی به اشتغال (مورد مطالعه: زنان روستایی شهرستان نجف‌آباد)، فصلنامه زن و جامعه، سال ۱۰، شماره ۱، صص. ۲۳۶-۲۱۷.
- ۱۰) صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۳) تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان در ایران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۱، صص. ۲۲-۵.
- ۱۱) طاعتی، آرام (۱۳۷۸) بررسی راهکارهای مشارکت مؤثر زنان در سطوح مدیریت برنامه ۵ ساله دوم کشور، مجموعه مقالات همایش نظام اداری و توسعه، تهران.

- ۱۲) طالشی، مصطفی و حکیم دوست، سید یاسر (۱۳۹۸) تحلیل فضایی توسعه یافتگی مناطق روستایی با تأکید بر نقش آفرینی اشتغال زنان روستایی در شهرستان رامسر، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی، دوره ۱۴، شماره ۲، صص. ۴۸۹-۴۷۳.
- ۱۳) عرب مازار، عباس؛ علی پور، محمدصادق؛ زارع نیاکوکي، یاسر (۱۳۹۳) تحلیل عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، سال ۴، شماره ۱۷ و ۱۸، صص. ۷۵-۹۱.
- ۱۴) علی پور، محمدصادق (۱۳۹۷) اثر تحصیلات عالی زنان روستایی بر اشتغال در نقاط روستایی ایران، انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۳، شماره ۲۶، صص. ۶۷-۸۸.
- ۱۵) علیزاده، مرجان (۱۳۸۹) نقش اشتغال زنان در توسعه، زن و فرهنگ، دوره ۲، شماره ۵، صص. ۴۹-۵۹.
- ۱۶) کار، مهرانگیز (۱۳۷۹) زنان در بازار کار ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران و مرکز مطالعات زنان.
- ۱۷) کاوند، حسین؛ عوض علی پور، محمدصادق؛ زندی، فاطمه؛ دامن کشیده، مرجان (۱۳۹۰) نقش جنسیت در مشارکت اقتصادی و عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در ایران، مجله سیاست‌گذاری اقتصادی، سال ۳، شماره ۶، صص. ۲۱۲-۱۸۹.
- ۱۸) کهزادی، بهروز و حمید بلالی (۱۳۸۱) بررسی رابطه درازمدت اشتغال و موجودی سرمایه در بخش کشاورزی ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی مدرس، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۲، شماره ۴، صص. ۵۲-۶۱.
- ۱۹) میشل، آندره (۱۳۵۴) جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۲۰) نوروزی، لادن (۱۳۸۳) تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۱۶۵-۱۷۸.
- ۲۱) هرندي، فاطمه و جمشیدی، فرشید (۱۳۸۷) چگونگی اثرپذیری احتمال اشتغال زنان متأهل نقاط شهری و روستایی از ویژگی‌های فردی و خانوادگی، فصلنامه دانش و توسعه، دوره ۱۵، شماره ۲۳، صص. ۲۰۵-۱۹۱.

22) Losindilo E.& Mussa A.& Akarro R (2010) Some Factors That Hinder Women Participation in Social, Political and Economic

-
- Activities in Tanzania, Arts and Social, Sciences Journal, No.4, pp.1-10.
- 23) Yakubu, A. (2010) Factors Influencing Female Labor Force Participation in South Africa in 2008, The African Statistical Journal, No.11, pp.85-104.